روزمرگی‌های یک محیط‌بان

استان قم فقط کویر نیست تالاب هم دارد

احمد بحری . محیط‌بان

● هرکسی که نام قم را می‌شنود، تصور می‌کند شهری کویری و خشک است ولی با کمی جست‌وجو خواهد دید در همین کویر، تالاب‌های متنوعی در زمستان‌ها شکل می‌گیرد که میزبان انبوهی از پرندگان مهاجر و آبزی است. یکی از آنها که به صورت دائمی در نزدیکی شهر قم به فاصله کمتر از ۱۰ کیلومتر در امتداد اتوبان تهران قرار دارد، تالاب بهشت معصومه است. نامش از آرامگاهی به همین نام که در جوار آن قرار دارد، گرفته شده است.

تالاب بهشت معصومه از چشمه‌های کویری منشأ می‌گیرد و چند گونه ماهی در آن زیست می‌کند. در این تالاب، پرندگان مهاجری چون انواع مرغابی‌ها مثل سرسبز، خوتکا، تنجه، آنقوت، نوک‌پهن و نیز حواصیل‌ها، آبچلیک‌ها، سلیم‌ها و... مشاهده می‌شوند.

پرندگان شکاری مختلفی نیز مانند سنقر تالابی و خاکستری، بالابان، عقاب صحرایی و دلیجه نیز در این تالاب برای تغذیه و شکار می‌آیند. یکی از ویژگی‌های این تالاب، هم‌جواری با سایت دفن پسماند شهر قم است که باعث می‌شود پرندگان شکاری مختلفی به‌ویژه در فصل زمستان از عقاب صحرایی تا عقاب دریایی، کرکس مصری، کرکس سیاه و... را نیز مشاهده کرد. تالاب حوض سلطان نیز از دیگر تالاب‌های نمکی استان است که در کیلومتر ۵۰ اتوبان قم به تهران قرار دارد که همگان آن را از دور به صورت یک کفه نمکی سفیدرنگ دیده‌اند. در این تالاب به علت غلظت بالای نمک به جز برخی باکتری‌ها و جلبک‌ها و نیز آرتمیا موجود آبزی دیگری زیست نمی‌کند و پرندگانی مانند فلامینگو برای تغذیه و زمستان‌گذرانی در آن فرود می‌آیند و حاشیه این تالاب زیستگاه خوبی برای پرنده هوبره محسوب می‌شود.

از دیگر تالاب‌های فصلی قم، تالاب مره را می‌توان نام برد که از کوهی به همین اسم که در نزدیکی آن قرار دارد، برگرفته شده است. تالاب مره درواقع کویری در ضلع شرقی تالاب حوض سلطان و کوه مره است که در فصل پاییز و زمستان در اثر سیلاب‌های رودخانه‌های فصلی، به خود آب می‌بیند و ایستگاه خوبی می‌شود برای زمستان‌گذرانی پرندگانی مانند آنقوت، تنجه، حواصیل و... .

از دیگر تالاب‌های ناشناخته قم هم می‌توان از تالاب غدیر اسب نام برد که در فاصله ۱۰کیلومتری دریاچه نمک قرار داشته و به صورت تالابی شور به همراه پوسته‌ای نمکی است. آب این تالاب از سفره‌های کویری منشأ گرفته و به علت دردسترس‌نبودن آن، تالابی بکر بوده و از لحاظ اجزای تشکیل‌دهنده آن بسیار شبیه به تالاب حوض سلطان است.

هفته گذشته در ادامه پایش‌های فصلی تالاب‌های استان قم، به‌اتفاق همکارانم به تالاب مره رفتیم و در حال مشاهده پرندگان بودیم که ناگهان در دوردست دو شکارچی تفنگ‌به‌دست را دیدیم و با تحت‌نظرگرفتن آنها از یک مسیر باتلاقی به آنها نزدیک شدیم و درحالی‌که راهی برای فرار نداشتند، آنها را توقیف کردیم و با بازرسی، تعدادی مرغابی شکارشده از آنها کشف و توقیف کردیم و برای اقدامات قانونی به مراجع قضائی تحویل دادیم.

گفت‌وگو با دکتر رضا امیدی، استاد دانشگاه و پژوهشگر حوزه رفاه و سیاست‌های اجتماعی

دست‌فروش‌ها نیت ضداجتماعی ندارند

شرق: اکنون حدود سه ماه است که شهرداری تهران بار دیگر مبحثِ «ساماندهی دست‌فروشان» را در دستور کار خود قرار داده و با همراه‌کردنِ نیروهای انتظامی در برنامه‌هایی که همگی عمدتا ناظر بر طرد این شاغلانِ خویش‌فرما از فضاهای عمومی شهر هستند، سعی در حل آن‌چیزی دارد که از آن با عناوینی مانند «معضل اجتماعی» یا «پاکسازی شهر» یاد می‌کند. پیروِ چنین برنامه‌ای است که در کنارِ تعداد بسیار محدودی میز که در دو، سه نقطه شهر آن هم در ساعات تعطیلی ادارات در اختیار این افراد قرار داده شده، چندین‌هزار دست‌فروش را از تلاش برای معاشِ خود و خانواده‌شان محروم کرده‌اند. حال آنکه به شهادت متخصصان علوم اجتماعی و اقتصادی، روی‌آوردن به مشاغل غیررسمی که هم در کشورهای صنعتی قابل‌رؤیت است و هم در کشورهای درحال‌توسعه، معلول عواملی است که همگی به نوعی به ناتوانی دولت‌ها و بخش خصوصی در ایجاد مشاغل رسمی به میزانِ نیاز جامعه بازمی‌گردد. برای بررسی ابعاد این موضوع از منظر محصل بی‌کاری، ارتباط با مسائل تأمین اجتماعی، سیاست‌های رفاهی و همچنین مقدماتی که باید فراهم شوند تا راهکاری جدی برای این فعالان اقتصادی خویش‌فرما یافته شود، موضوع را با دکتر رضا امیدی به بحث گذاشته‌ایم.

طبق آمارهای ملی و جهانی، حوزه اقتصاد غیررسمی و دست‌فروشی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین موارد آن در حال گسترش است و بسیاری، گسترش این حوزه از اقتصاد را به‌عنوان راه‌حلی مردمی در برابر فشارها و ناکارآمدی‌های سیاست‌های دولت و اقتصاد رسمی می‌دانند. به‌نظر شما این گسترش چرا و در پاسخ به چه ضرورت‌هایی بوده است؟

در سه دهه اخیر آنچه در اقتصاد جهان رخ داده، این بوده که رشدهای اقتصادی تأثیر کمتری بر کاهش بی‌کاری داشته‌اند، اما رکودهای اقتصادی به شکل شدیدتری به رشد بی‌کاری منجر شده‌اند. به بیان ساده، رشد کمتر اشتغال‌زا و رکود به‌شدت اشتغال‌زدا بوده است؛ یعنی تقریبا از دهه ۱۹۹۰ به این‌سو، رونق‌های پس از رکود نتوانسته‌اند میزان بی‌کاری‌های ناشی از رکود را جبران کنند و به‌اصطلاح پدیده «رشد بدون اشتغال» رخ داده است که عوامل مختلفی دارد؛ از تغییرات تکنولوژیکی تا تغییر در ترکیب بخش‌های اقتصادی. این وضعیت با میزان مختلف، هم در کشورهای صنعتی و هم در کشورهای درحال‌توسعه (نظیر کره، اندونزی، برزیل و...) رخ داده است. این وضعیت در دوره بحران مالی ۲۰۰۷-۲۰۰۸ نیز در کشورهای اروپایی دوباره رخ داد. در چنین وضعیتی، رشد اشتغال در بخش‌های غیررسمی اقتصاد به‌مراتب بیشتر از بخش‌های رسمی بوده است و البته باید در نظر داشت که چنین رشدی، چه در تولید و چه در اشتغال، از منظر افزایش درآمد برای سطح پایین جامعه (فقرا) و کاهش فقر لزوما سودمند نخواهد بود. درباره ایران نیز همواره با نرخ‌های بی‌کاری بالا و مسائل جانبی آن مواجه بوده‌ایم؛ سیاست‌های اشتغال‌زایی نیز موفق نبوده‌اند. این سیاست‌ها عمدتا معطوف به طیف‌های بالاتر و فی‌المثل کارفرمایان بوده است تا از این طریق، ایشان بتوانند مشاغل جدیدی ایجاد کنند. طبق پژوهش‌های انجام‌شده، بیشتر این سیاست‌ها در امر اشتغال‌زایی ناموفق بوده‌اند. این مسئله، در کنار تغییرات در ترکیب جمعیتی، وضعیت را حادتر و به بحران نزدیک‌تر کرده است: متقاضیان شغل زیادند و مدام بر تعداد آنها افزوده می‌شود و اقتصاد نیز توان جذب بسیار پایینی دارد. این‌طور هم نیست که، آنچنان که برخی ادعا می‌کنند، نیروی کار در ایران صرفا طالب مشاغل دفتری و پشت‌میزنشینی باشد. در بسیاری موارد، افراد حتی سطح تحصیلی خود را پایین‌تر از واقع ابراز می‌کنند تا بتوانند یک موقعیت شغلی به دست آورند.

در چنین شرایط خاصی برای اشتغال (میزان بالای بی‌کاری) می‌توان انتظار داشت بخش غیررسمی اقتصاد مدام بزرگ‌تر شود. در این وضعیت دست‌فروشی یکی از سالم‌ترین نمونه‌ها در این مورد است. وقتی سیاست‌های دولت کفاف نمی‌دهد یا حتی آسیب‌رسان است، جامعه باید فکری به حال خود کند تا بتواند برای گذران زندگی، به نحوه‌ای از همزیستی با این شرایط دست یابد. درواقع چنین پدیده‌هایی نوعی سیاست غیررسمی و خیابانی است که در نتیجه ضعف یا فقدان سیاست‌های رسمی شکل می‌گیرد.

با وجود گسترش اقتصاد غیررسمی، سیاست‌های بیمه‌ای تأمین اجتماعی در ایران همواره معطوف به بخش رسمی اقتصاد بوده است. در ساحت نظری نیز که گرایش به سمت شغل‌محورکردن ارائه خدمات رفاهی بوده است، عمدتا توجه به مشاغل رسمی بوده است. با این وصف، سؤال اینجاست؛ برای مشاغل غیررسمی که اکنون در حال گسترش‌اند، چه تمهیدات رفاهی در نظر گرفته شده است؟

تنها تمهیدی که در حوزه سیاست‌های بیمه‌ای اتخاذ شده، نظام بیمه‌ای چندلایه یا فراگیر است که مشاغل غیررسمی و خویش‌فرمایی در یکی از لایه‌های آن قرار می‌گیرد. مشاغل غیرمزد-حقوق‌بگیر، که عمدتا شامل مشاغل غیررسمی است، یکی، دو سال است که برای سازمان تأمین اجتماعی و دستگاه‌های بیمه‌گر به‌عنوان مسئله موردتوجه قرار گرفته است؛ نخست به دلیل اینکه بین فقیرشدن و نداشتن بیمه اجتماعی ارتباط معناداری وجود دارد. بر اساس پژوهشی که انجام شده، حدود ۸۰ درصد افراد زیر خط فقر مطلق، فاقد بیمه اجتماعی هستند. موضوع دیگر، بحرانی است که صندوق‌های بیمه‌ای با آن مواجه‌اند. یکی از راه‌های برون‌رفت صندوق‌ها از بحران یا به‌تعویق‌انداختن بحران، افزایش جمعیت تحت پوشش است. ازاین‌رو، تحت پوشش قراردادن مشاغل غیررسمی و شاغلان غیرمزد و حقوق‌بگیر و همچنین متنوع‌کردن سبد بیمه‌ای به‌این‌منظور، برای این صندوق‌ها مهم است. درحال‌حاضر، علاوه بر صندوق‌های بازنشستگی کشوری و لشکری، اکثر صندوق‌های بازنشستگی خاص (نظیر صندوق بانک‌ها و...) نیز با بحران مواجهند. سازمان تأمین اجتماعی نیز وضعیت بسامانی ندارد. در همین راستا، تلاش می‌شود با کدگذاری مشاغل غیررسمی، زمینه‌ای برای بیمه‌شدن آنها فراهم شود. البته هنوز مصوبه‌ای در این زمینه وجود ندارد.

واحدهای کوچک صنفی به اندازه‌ای که دست‌فروشان را برای خود مسئله می‌بینند، مال‌هایی را که به‌طور جدی‌تری منافع آنها را تهدید می‌کند، نمی‌بینند اتفاقا ائتلاف بین صنف‌های کوچک و دست‌فروش‌ها، در مقابل مال‌هایی که در حال گسترشند، به‌مراتب به‌نفع هر دو طرف و حتی صنف‌های کوچک است. به عبارت دیگر، مسئله واحدهای صنفی کوچک مال‌ها هستند، نه دست‌فروشان

و آیا موفق شدند؟

دفتر بیمه‌های اجتماعی وزارت رفاه پیگیر این موضوع است. موضوع برقراری پوشش فراگیر شاغلان غیرمزد و حقوق‌بگیر در تبصره ۲۴ پیش‌نویس برنامه ششم توسعه نیز آمده است. درحال‌حاضر بیمه اختیاری بر مبنای حداقل دستمزد انجام می‌شود. در طرح بیمه فراگیر وزارتخانه سعی دارد یک وضعیت پلکانی را ایجاد کند تا شاغلان غیرمزد و حقوق‌بگیر بتوانند با ۴۰، ۵۰ یا ۹۰ درصد حداقل دستمزد نیز خود را بیمه کنند. نکته‌ای که در این زمینه وجود دارد این است که براساس قانون، دولت مکلف است سرانه بیمه‌ای مساوی برای همه افراد جامعه تخصیص دهد، اما شاغلان غیرمزد و حقوق‌بگیر و به‌طور کلی افراد فاقد پوشش بیمه‌ای، امکان استفاده از این سرانه را ندارند.

تمهیدات دیگر چطور؟

تمهید دیگری که وجود دارد، مکمل‌های درآمدی است. در استراتژی‌های رفاهی، استراتژی غالب آن است که باید فرد را از سطح حمایتی به سطح بیمه‌ای ارتقا داد؛ یعنی فرد با ورود به بازار کار، می‌تواند خود را بیمه کند و از فقر نجات یابد. درباره ایران اما مسئله‌ای که با آن مواجهیم، مسئله پایین‌بودن دستمزدهاست؛ درواقع، بین حداقل دستمزد و خط فقر فاصله زیادی وجود دارد. این به این معناست که فرد، با وجود اشتغال در هر سطحی، چه‌بسا نیاز به حمایت داشته باشد. به عبارت دیگر، به دلیل پایین‌بودن حداقل دستمزد، اشتغال الزاما فرد را از فقر رها نمی‌کند و ممکن است یک نفر شاغل باشد اما درعین‌حال همچنان زیر خط فقر مطلق قرار گیرد و حقوق دریافتی‌اش کفاف ندهد. این در حالی است که در اکثر کشورهایی که نظام رفاهی منسجم و مستقری دارند، عمدتا فرد وقتی شاغل می‌شود، میزان حقوق و دستمزد دریافتی‌اش، کفاف زندگی شایسته را می‌دهد. با توجه به شرایط ایران، دولت ناگزیر از در نظرگرفتن «مکمل‌های درآمدی»، نظیر یارانه‌های نقدی و غیرنقدی، کاهش و پوشش هزینه‌های بهداشت و آموزش و حمل‌ونقل و ... است تا بتواند از این طریق، درآمد خالص و قابل حصول خانوارها را به نحوی افزایش دهد.

در شرایط فعلی، به نظر شما سیاست‌گذاری به‌طور اختصاصی در ارتباط با پدیده دست‌فروشی، با چه چالش‌هایی مواجه است و شرایط توفیق‌یافتن این سیاست‌گذاری‌ها را در چه عواملی می‌توان جست؟

چندی است بحث ساماندهی دست‌فروشان دوباره مطرح شده است. اما به یکباره شاهدیم نیروی انتظامی در مترو وارد عمل می‌شود و به نام ساماندهی، با دست‌فروشان برخورد می‌کند. به‌هرحال، اول باید مشخص شود منظور از ساماندهی چیست؟ آیا منظور جمع‌آوری‌کردن دست‌فروشان از معابر است؟ آیا بناست به دلیل قرارداشتن در این شرایط، به صورت موقتی آنها را کدگذاری کنیم؟ یا اینکه اساسا می‌خواهیم به‌عنوان یک شغل رسمی، آنها را به رسمیت بشناسیم؟

نکته دیگری که باید به آن توجه داشت آن است که هیچ پژوهش جدی‌ای در این زمینه انجام نشده است. ما با انواعی از دست‌فروشی مواجهیم. دست‌فروشی سیار که به دنبال مشتری می‌گردد و مثل بساط‌گسترها یک جا، ثابت نمی‌ماند. دستگاهی مثل شهرداری همواره به‌دنبال ساماندهی مکانی دست‌فروشان بوده است؛ اینکه آنها را در یک جا مستقر کند. اما قطعا چنین کاری که تاکنون بارها هم تجربه شده، نمی‌تواند این پدیده را به سامان برساند و اتفاقا می‌توان انتظار داشت بلافاصله افراد دیگری در مترو و اتوبوس و... جایگزین اینها شوند. نکته دیگری که باید در نظر داشت، تنگنایی است که در این حوزه وجود دارد. از یک‌سو با پدیده‌ای مواجهیم که به‌نوعی محصول نابسامانی‌های اقتصادی است و نهادهای اجرایی امکان برخورد سختگیرانه با پدیده را ندارند چون خودِ این پدیده به‌نوعی نقشی کارکردگرایانه برای دولت‌ها دارد. درواقع از آنجا که گسترش چنین پدیده‌هایی محصول سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی دولت‌هاست به‌مثابه سازوکارهایی برای به‌تعویق‌انداختن بحران‌های جدی‌تر عمل می‌کنند. دولت‌ها نمی‌توانند در مواجهه با چنین پدیده‌هایی که نیت ضداجتماعی ندارند، بلکه در راستای دستیابی به هدف‌های قانونی نظیر کسب‌وکار و امرار معاش انجام می‌شوند، به سیاست‌های تنبیهی روی آورند چون از این طریق خود را در مقابل فشارهای مستقیم پیامدهای ناشی از سیاست‌هایشان قرار می‌دهند. درواقع در میانه این مناسبات نوعی عمل‌گرایی محافظه‌کارانه شکل می‌گیرد که هم دولت و هم فعالان و نهادهای اجتماعی را به پذیرش تدافعی واقعیت وامی‌دارد؛ حفظ وضع موجود به‌دلیل ناتوانی در تأمین سازوکارها و گزینه‌های جایگزین. افراد مشغول به کسب‌وکارهای غیررسمی به‌تعبیر ارناندو دِسوتو -اقتصاددان پرویی- درون یک منطقه خاکستری زندگی می‌کنند که مرزی طولانی با دنیای قانونی دارد و هرگاه هزینه اطاعت از قانون از فایده آن پیشی گیرد افراد به آن منطقه پناه می‌برند. ازاین‌رو شاید پرسش اصلی این است که چگونه می‌توان چنین شغل‌هایی را به حیطه قانون گرایش داد؟

پس مشکل در کجاست که همه دست‌به‌دست هم نمی‌دهند و سازوکار قانونی برای دست‌فروشان ایجاد نمی‌کنند؟

ببینید یک وجه دیگر این ماجرا هم آن است که دست‌فروشی را برخی، نوعی تعدی به حقوق دیگران می‌دانند. اصناف و کسبه، دست‌فروشی را نوعی اخلال در کسب‌وکار قانونی خود می‌دانند. علاوه بر این، شاید همه ما شاهد مشاجره‌های گاه‌وبی‌گاه مسافران مترو با برخی از دست‌فروشانی که در شلوغی جمعیت می‌خواهند به‌سختی راهی باز کنند بوده‌ایم. چگونه می‌توانیم این دو وجه را در کنار هم قرار دهیم؟ جایی که نهاد اجرائی به این دلیل که کنترل خود را به‌طور اقتضایی کاهش می‌دهد، باعث اختلال و مزاحمت برای دیگران می‌شود.

ادامه در صفحه ۱۷

گزارش

از زنان سرپرست خانوار دست‌فروش چه می‌دانیم؟

حمیده چگونیان

● مرکز آمار ایران در آخرین گزارشی که از وضعیت زنان سرپرست خانوار می‌دهد تعداد آنها را براساس آخرین نتایج سرشماری سال ۱۳۹۰، دومیلیون و ۵۰۰ هزار نفر اعلام می‌کند که از بین آنها، تنها ۱۸ درصد شاغل و ۸۲ درصد بی‌کار هستند. تعداد این افراد از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۰، ۲.۵ برابر افزایش داشته است؛ همچنین آمارها نشان می‌دهند که ۵۵ درصد زنان سرپرست خانوار بی‌سواد و ۱۹ درصد تنها سواد ابتدایی دارند[۱].

زنان سرپرست خانوار معمولا به‌دلیل فوت، مهاجرت یا ازکارافتادگی و اعتیادِ همسرانشان، مسئولیت اقتصادی خانواده را برعهده می‌گیرند؛ بااین‌همه، مشاهدات، حکایت از آن دارند که تنها فقدان مرد نیست که بار اقتصادی را به دوش زنان می‌اندازد. گاه با حضور مرد در خانه نیز زنان مجبور به تقبل هزینه‌های اقتصادی خانواده می‌شوند. در تأیید این حرف می‌توان به گزارش مرکز آمار ایران استناد کرد که می‌گوید: ۳۵ درصد از زنان سرپرست خانوار باوجود داشتن همسر، سرپرست خانواده هستند. از ۶۵ درصد باقی‌مانده، ۲۰ درصد از آنها به‌دلیل فوت همسر و ۲۶ درصد به‌دلیل طلاق، سرپرست خانوار محسوب می‌شوند[۲].

هم‌کلام‌شدن چند ساعته با زنان دست‌فروش در متروی تهران که نمونه‌هایی هستند از زنان سرپرست خانوار، به‌نوبه‌خود نتایج مرکز آمار ایران را تأیید می‌کند. زن میانسالی گوشه ایستگاه دروازه دولت نشسته است. او در جواب اینکه آیا همسرش هم کار می‌کند یا نه؟ می‌گوید که همسرش به‌دلیل مریضی قادر به انجام کار نیست و ادامه می‌دهد: من «زن سرپرست خانوار» هستم؛ گویی سرپرست‌خانواربودن مقدم بر زنانگی‌اش است. مصاحبه با بیش از ۲۰زن دست‌فروش در متروی تهران در طول دو روز مؤید این مطلب است که زنان در مترو ابتدا سرپرست مالی خانواده هستند و در درجه‌های بعدی زن و دختر و مادر. اکثریت آنها به‌اجبار، یعنی به‌دلیل اینکه برای امرار معاش چاره دیگری ندارند، مسئولیت مالی خانواده را پذیرفته‌اند. دختری که خود را دربا معرفی می‌کند، می‌گوید به‌دلیل اعتیاد از شوهرش جدا شده و هم‌اکنون سرپرستی دو پسر شش و هشت ساله‌اش به‌عهده اوست. دختر دیگری که می‌گوید ۲۶ سال دارد، فوت شوهر و سرپرستی دو کودکش را دلیل کار در متـرو عنوان می‌کند؛ اما عذرا که نزدیک ۴۰ سال دارد وضعیتش با بقیه فرق دارد. او شوهری دارد که سالم است و معتاد هم نیست، فقط بی‌کار است. به قول عذرا گاهی می‌رود دست‌فروشی می‌کند تا جیب خودش را پر کند؛ وگرنه مابقی سال عذرا است که خرج ماهیانه همسرش را هم می‌دهد. دختر دیگری هم اعتیاد پدرش را دلیل کار در مترو عنوان می‌کند. می‌گوید خرج مادرم، تحصیل برادر و رتق‌وفتق زندگی خواهرانش به‌عهده اوست. نوعی احساس وظیفه در قبال اینکه در خانه پدری زندگی می‌کند و به‌هرروی او نیز باید سهم خویش را از این زندگی بپردازد.

بسیارند زنان سرپرست خانواری که برای به‌عهده‌گرفتنِ مسئولیت اقتصادی خانواده نمی‌توانند روی استخدام در بخش‌های رسمی اقتصاد حساب کنند و ازاین‌رو به بخش‌های غیر رسمی روی می‌آورند. نداشتن سواد یا کم‌سوادی، نداشتن مهارت کار و همچنین سیاست‌های تبعیض شغلی همگی عواملی هستند که زنان را به‌سمت لایه‌های غیررسمی سوق می‌دهند.

ادامه در صفحه ۱۷

جدول ۲۴۶۳ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- نام دیگر سوره یوسف(ع)- دیده‌بان ۲- از آتش‌افروزان- به نرمی و مهربانی رفتارکردن- یک نفر ۳- حالت بی‌هوشی گذرا- تطبیق‌داده‌شده ۴- قابلمه بزرگ- داستان دنباله‌دار که در نشریات چاپ می‌شود- بیهوده و بی‌معنی ۵- تکرار حرفی- خجستگی- سراب ۶- دست‌درازی‌کردن به حق کسی- هر ماده با اتم‌های یکسان- تکرار حرفی ۷- از ورزش‌های گروهی- قصور- هر فصل کتاب ۸- فتنه و تباهی- موی گردن شیر- رفت‌وآمد زیاد ۹- کوچک‌ترین ذره عنصر- اصلی‌ترین شهر جزیره سیسیل ایتالیا- کشوری پهناور در آفریقا ۱۰- رطوبت- لغو کردن- سرپرستی امور موقوفات ۱۱- بلندترین مرتبه ذات خداوند- مدفن شاه‌نعمت‌الله ولی- دندانه سوهان ۱۲- کماندوی آمریکایی- تهنیت و تبریک- تفاله عسل ۱۳- شهری در شمالی‌ترین نقطه گیلان- زرد کم‌رنگ ۱۴- از حروف مقطعه قرآن- راضی- بندری در بلغارستان ۱۵- پیامبر ایرانی- از جاذبه‌های گردشگری و دیدنی شیراز.

عمودی:

۱- صدمه- فیلم زندگی حضرت موسی(ع) که توسط سسیل بی‌دمیل ساخته شد- برنج فروش ۲- شعری که در زندان سروده شود- معادل فارسی بحث- قومی ایرانی ۳- وسیله تزریق آمپول- لبخند ملیح- از روش‌های درمانی در طب سنتی ۴- پسندیده- گرامی- نشانی ۵- آرمان‌شهر- کثیف و نامرتب- اریکه سلطنت ۶- برنده نوبل ادبی سال ۲۰۰۶ از ترکیه- آشفتگی و پریشانی ۷- تنها استان ایران که فقط یک شهرستان دارد- همسایه کلمبیا و برزیل- خروش عرب ۸- نخست‌وزیری-سازی که شفاف نیست!- علاج‌کردن ۹- راستگو- صفتی برای خورشید- سد خوزستان ۱۰- کامپیوتر- از شهرهای چین ۱۱- استخوانی در پاچه گوسفند- بینا- کرکس ۱۲- حلال رنگ- سنگین- یک حرف و سه حرف ۱۳- از ارائه‌های ادبی- از واحدهای ذخیره‌سازی اطلاعات در کامپیوتر- سند ۱۴- قورباغه- امتیاز ضربه‌های کنترل‌شده دست کاراته‌کا- سیدشهیدان اهل قلم ۱۵- واحد پول ترکیه- کتاب شعر فلسفی اقبال لاهوری، شاعر و متفکر پاکستانی - خاندان.

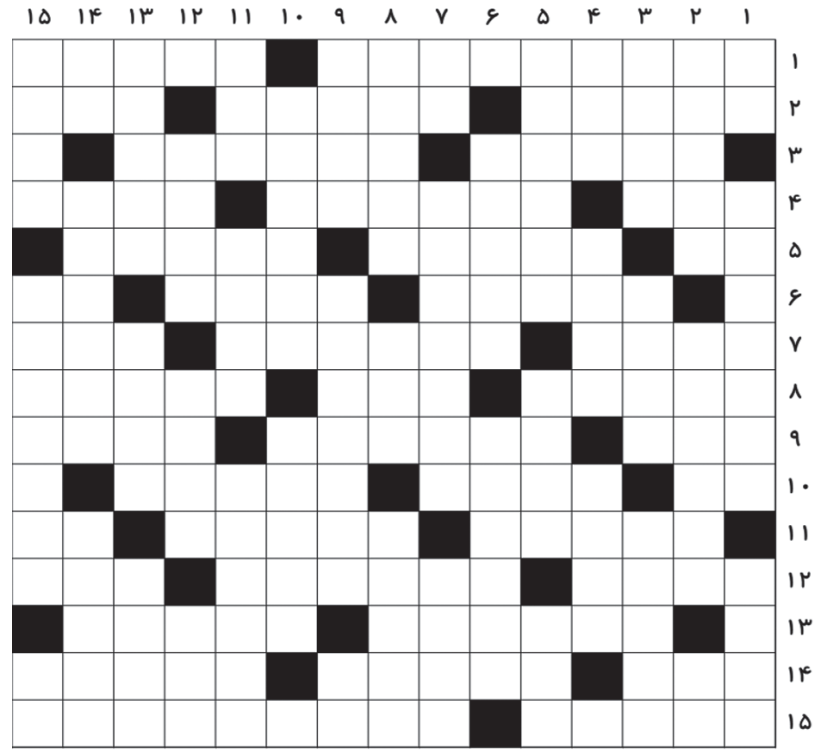

سودوکو سخت ۱۴۶۰

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

	۵						۷	۴
				۲		۳		
		۷	۳			۵		۶
	۳	۵			۴	۱		
۴	۱			۸				
		۹			۳	۴	۲	
			۸	۷		۹		
				۱		۸	۶	
			۹		۶		۵	۱

حل سودوکو سخت

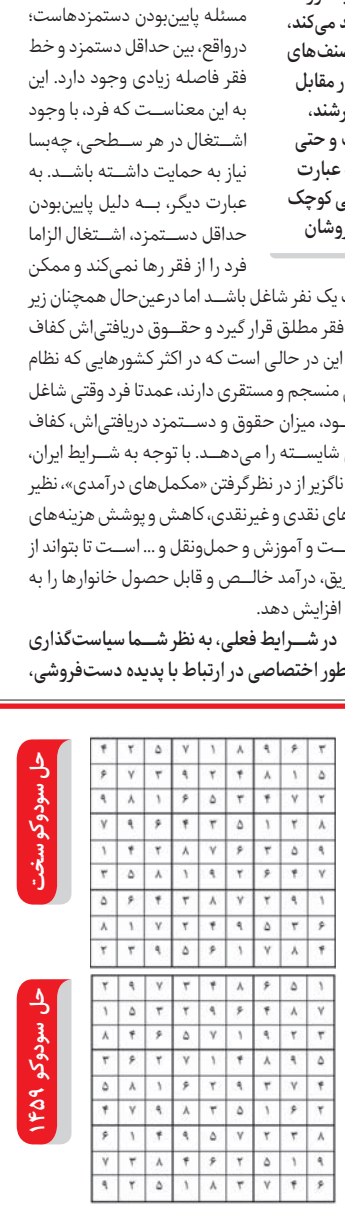

حل سودوکو ۱۴۵۹

۲	۹	۷	۳	۴	۸	۶	۵	۱
۱	۵	۳	۲	۹	۶	۴	۸	۷
۸	۴	۶	۵	۷	۱	۹	۲	۳
۳	۶	۲	۷	۱	۴	۸	۹	۵
۵	۸	۱	۶	۲	۹	۳	۷	۴
۴	۷	۹	۸	۳	۵	۱	۶	۲
۶	۱	۴	۹	۵	۷	۲	۳	۸
۷	۳	۸	۴	۶	۲	۵	۱	۹
۹	۲	۵	۱	۸	۳	۷	۴	۶

جدول ۲۴۶۲

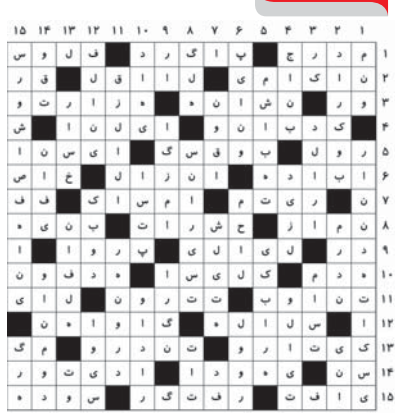

سودوکو ۱۴۶۰

	۲	۱		۶				۸
۳			۸	۴	۲	۱	۶	
	۸		۵			۹		
۲		۹	۷	۳	۵		۴	
۴			۶		۸		۱	
	۷			۹			۳	
	۳	۲			۹			۷
۷	۶	۵		۸				۴
۹						۲	۵	

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.